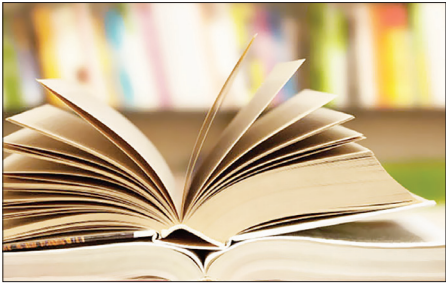




برگزاری کارگاه متد نقد کتاب

کارگاه پژوهشی «متد نقد کتاب (مؤلفه و ساختار نقد علمی، قوت‌ها و کاستی‌های آثار علمی و تدوین گزارش نقد در حوزه علوم انسانی)» برگزار می‌شود. این کارگاه پژوهشی با ارائه حجت‌الاسلام سیدحسین حسینی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در این پژوهشگاه واقع در بزرگراه کردستان، نبش خیابان آیینه‌وند بر پا خواهد شد.



محمدعلی نظری

پژوهشگر

از حضرت سیدالساجدین علیه‌السلام درباره توحید سوال می‌شود و ایشان در پاسخ به سوره‌احلاص و ۱۶ آیه ابتدایی سوره حدید اشاره و از گروهی در آخر الزمان یاد می‌کنند و ایشان را متعقون نام می‌نهند و می‌فرمایند که آن آیات برای این گروه نازل شده است و هر کس راهی غیر از این آیات پوید، هلاک خواهد شد (اصول کافی، ج ۱، ص ۹۱). درباره این سخن حضرت بحث‌ها و جدل‌های فراوانی رخ داده است. عده‌ای این صفت را مدح دانسته‌اند و عده‌ای ذم و گروهی با توجه به انتهای فرمایش حضرت فی نفسه نه مدح و نه ذم. این صفت هر چه که برای صاحبانش باشد گویای این حقیقت است که معارفی از قرآن است که عمق آن بسیار است و به صرف قرائت ساده نمی‌توان بدان دست یافت.

در طول تاریخ اسلام بوده‌اند افرادی که به دنبال کشف حقایق و بواطن آیات قرآن بوده‌اند و در حد سعی و فهم خود برخی آیات قرآن را نیز با این رویکرد تفسیر کرده‌اند و پرده‌هایی را از حجاب چهره قرآن مکشوف کردند اما بی‌گمان نسبت به مسیری که پیش‌روی ماست، گویی هیچ قدمی برنداشته‌اند.

متاسفانه از آفت‌های اساسی علوم اسلامی تکفیر اهل معنا از سوی اهل ظاهر و بی‌اعتنایی اهل معنا نسبت به دغدغه‌های اهل ظاهر بوده است؛ آفتی که امروز نیز حوزه‌های علوم اسلامی به صورت کامل از آن میرا نشده و راه بیان بسیاری از حقایق عمیق دین بسته است. اهل معنا به واسطه بی‌مهری‌های جریان مقابل، آن‌چنانکه باید حق اخبار صاحبان دین را به‌جا نیاوردند و از آن‌سو اهل اخبار نیز در پی زدودن چهره دین از قرائت‌های به‌زعم خود یونانی و مشرکانه بودند. در این میان نیز کسانی از دو گروه که به عمق حقایق دین پی‌برده بودند چون قدرت کافی نداشتند راهی برای آزاد کردن دین از دست اهل ظاهر نداشتند. اگر به ندرت کسی هم به برخی حقایق دست یافته بود، صرفا با بیان رمز گونه، یافته‌های خود را برای آیندگان باقی گذاشت و از اظهار علنی آن خودداری می‌کرد. نمونه کسانی که به خاطر بیان حقایق خون‌شان مباح شده هم در میان فقها و هم در میان عرفا و فلاسفه بسیار بیشترند؛ از افرادی همچون سیدمرتضی و خواجه‌نصیرالدین طوسی، که همراه با جمع ظاهر و باطن دین در مصدر قدرت هم نشسته باشند. اگرچه همان زمان هم که در مصدر قدرت بودند، صرفا به حفظ ظاهر دین با ملاحظه باطن حقیقی می‌پرداختند نه تبیین باطن دین.

البته باید این ملاحظه را نیز در نظر داشت که حرکت به‌امعاق باطن در فرآیندی بوده که در طول تاریخ طی شده و همچنان نیز ادامه دارد. به بیان دیگر دین خدا یا همان اسلام اقتدر بسط و وسیع و عمیق است که بعد از گذشت ۱۴ قرن نیز نمی‌توان ادعا کرد که تمام دین برای ما جلوه گر شده است. تنها می‌توان ادعا کرد پر داختن به باطن دین و تبیین آن نهنها به ینه‌اش همچون هز ینه‌ای که امثال شهید اول و ثانی از فقها یا شیخ اشراق از فلاسفه پرداخته‌اند نیست، بلکه این آگاهی در عموم مردم نیز توسعه یافته که دین صرف یک‌سری اعمال ظاهری نیست که تنها فقها متکفل بیان آن باشند بلکه دین برای تمام مراتب وجود انسان از جسم تا نفس و ذهن و عقل، احکام دارد و تنها فقها (کسانی که صرفا به ابواب محدودی از حوزه رفتاری انسان می‌پردازند) صاحبان دین نیستند بلکه دین نیازمند عالمانی از سنخ‌های دیگر - که به مراتب دیگر از وجود انسان می‌پردازند- نیز هست و حوزه فقه بسیار بیش از گذشته باید گسترش یابد، کمالینکه تفقه در دین محدود به اعمال ظاهری انسان نمی‌شود.

ریاضت علمی

بسیاری از فیلسوفان نسبت به مسائل اجتماعی و عمومی زمان خود دغدغه و نگرانی داشته‌اند. در میان فیلسوفان اسلامی نیز دغدغه‌مندی نسبت به مسائل زمان خود وجود داشته است، به‌طوری که سبب نگارش برخی رساله‌ها، مقاله‌ها و حتی کتاب‌هایی در باره این مسائل شده است. به‌عنوان مثال ابن‌سینا زمانی که دریافت مردم زمان خود نسبت به نماز خود سستی و کاهلی می‌کنند، رساله‌اسرارالصلوه را نگارش کرد. صدرالمآله‌پن نیز ازجمله فیلسوفانی است که نسبت به مسائل روز زمان خود دغدغه و نگرانی داشته است. یکی از دغدغه‌های وی وجود صوفی‌نمایان و قشری مسلمان و باطن‌گرایان منحرف از صراط مستقیم بود. کتاب کسر اصنام الجاهلیه با رویکرد مبارزه و رسوا کردن این فرق منحرف نگاشته شده است. با مطالعه دیباچه و مقدمه این کتاب به اهمیت کار ملاصدرا و نحوه برخورد وی با این گروه‌ها و آسیب‌شناسی آنها در زمان خود پی می‌بریم. در ادامه به برخی نکاتی که در این کتاب مورد توجه ایشان بوده است، اشاره می‌شود.

در نظر ایشان جله‌نیشینی و زی صوفیانه باید متوقف در استحکام بنای علمی به‌ویژه در شناخت خدا، صفات و افعال او و معاد

تصوف وابستگی کامل به وحی دارد

بعضی از تصوف‌شناسان را دیده‌ام که می‌گویند منشا تصوف، هند باستان، ایران باستان یا نوافلاطونیان هستند. مرحوم سراج‌الدین به درستی می‌گوید که منشا تصوف، وحی است. یعنی تصوف وابستگی کامل به وحی دارد تا عارف بتواند خود را از هرگونه وابستگی و تعلق مبرا سازد. اما قطعا وقتی صوفیان مثلا با برهمنیان در هند ارتباط برقرار کردند از آنها هم استفاده کردند یا بعدا از فلسفه نوافلاطونی هم بهره بردند.



فرهیختگان

گذار از ظاهر به حقیقت دین

ملاصدرا و فرآیند تکامل «فهم» مکتب

سوالی که در این بین ایجاد می‌شود این است که نقطه عطف غلبه اهل معنا بر اهل ظاهر کجاست؟ البته باید دقت کرد که در مسائل انسانی خصوصا وقتی با تاریخ پیوند می‌خورند نمی‌توان (مانند دقایق ریاضی) یک نقطه مشخص را معین کرد. قطعا در دوره‌های مختلف تاریخ مسائل موردنظر دچار فراز و نشیب‌هایی بوده است. همچنین غیر از طول زمان در مکان‌های مختلف واسطه حضور افراد با زمینه‌های مختلف، رویکردهای مختلف از شدت و ضعف برخوردار بودند و همه را نمی‌توان با یک حکم کلی همراه کرد اما می‌توان با توجه به فرآیند کلی که مسیر حرکت جمعی انسان طی می‌کند، افراد با دوره‌هایی را

در نظر گرفت که بعد و قبل آنها، مسائل به صورت کلی به شکل دیگری بوده است. در این مساله خاصی که ما در آن هستیم، یعنی فرآیند تکامل فهم و تبیین حقیقت دین، که دین را از تعریف محدود و ناقص اهل ظاهر که صرف پرداختن به ظواهر دین و آن هم معطوف به ظواهر رفتار انسان است، آزاد می‌کند و در یچه‌ای جدید مقابل جویندگان حقیقت می‌گشاید نقاط عطف مختلفی می‌توان ملاحظه کرد اما شاید مهم‌ترین نقطه عطف ایجاد وحدت در علوم عقلی و باطنی اسلامی بود که توسط جناب ملاصدرا محقق شد. تا قبل از ملاصدرا هر یک از علوم اسلامی به



«فلسفه تکنولوژی» منتشر شد

«فلسفه تکنولوژی» تألیف علیرضا عباسی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی با جستارهایی درباره فلسفه تکنولوژی و مقالاتی درباره فلسفه علم منتشر شد. فلسفه تکنولوژی قلمرو جدید، جذاب و سودمندی در فلسفه است که به معنا، اهمیت، ویژگی، عوارض و اثرات تکنولوژی می‌پردازد. این کتاب را انتشارات «مکتبه الصدیقه الشهبده» در ۱۴۲ صفحه و با قیمت ۱۲ هزار تومان در اختیار علاقمندان قرار داده است.



فرهیختگان

صورت مجزا و منفک از دیگری به سیر خود ادامه می‌داد. اگرچه به واسطه محدود بودن حجم علوم برای دانشمندان این امکان فراهم بود تا در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی کسب تجربه کنند اما این ملاصدرا است که در پی تبیین ارتباط ظاهر دین با باطن دین برمی‌آید و تا حد زیادی نیز موفق می‌شود. شهید مطهری درباره ملاصدرا در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران چنین می‌گوید:

«فلسفه صدرا از یک نظر به منزله چهارراهی است که چهار جریان یعنی حکمت مشائی از رسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محی‌الدینی و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها افزوده شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه صدرا یک نوع جهش است که پس از یک سلسله حرکت‌های مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. فلسفه صدرا از نوع «سهل و ممتنع» است؛ به‌ظاهر بسیار ساده است، عباراتش ادیبانه و منشیانه است اما یک فرد بسیار مستعد سال‌ها باید کار کند تا به مرحله اول برسد یعنی بفهمد که آن را نمی‌فهمد تا بار دیگر با دید دیگری وارد شود. بسی افراد سال‌ها عهده‌دار تدریس فلسفه صدرا بوده‌اند، در حالی که به عمق آن نفوذ نکرده‌اند.» درواقع می‌توان چنین ادعا کرد که ملاصدرا آغازگر مسیری است که انتهای آن وحدت در علوم اسلامی است. ملاصدرا اگرچه متمحض در علوم عقلی و باطنی دین شد اما هیچ‌گاه از ظاهر شریعت غافل نشد و در مسیر عمل به ظواهر شرعی غیر از ریاضات شرعیه، هفت سفر با پای پیاده به زیارت خانه خدارفت و از زیارت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) هم غفلت‌نورزید. شاید بتوان این ادعا را با کمی تحقیق به اثبات رساند که ملاصدرا اولین فیلسوفی است که بعد از تکمیل مسیر فلسفی خود به علوم نقلی روی می‌آورد و به شرح و تفسیر متن دین می‌پردازد؛ اتفاقی که قبل از ملاصدرا به ندرت رخ داده است. به‌عنوان نمونه از جناب خواجه در تفسیر قرآن اثری داریم اما کتابی با عنوان شرح حدیث از ایشان گزارش نشده است. به عبارت دیگر ملاصدرا را می‌توان اولین شخصی دانست که با نگاه باطنی و معنوی منبعث از مبانی فلسفی و عرفانی خود - که خودش تحولی عظیم در فهم دین است- به متن دین اعم از قرآن و حدیث رجوع می‌کند و با آن نگاه بلند به تبیین ظاهر دین می‌پردازد. مسیری که ملاصدرا آن را شروع کرد هرچند با مخالفت‌های فراوان همراه شد و حتی بسیاری از نزدیکان وی این مسیر را برناتافتند، اما از آنجا که متعالی‌ترین قرائت منطبق و ملتزم به ظاهر دین بود در طول زمان نشر و بسط یافت. امروز نیز اگرچه راه ملاصدرا مخالفانی دارد، شاگردان حکمت متعالیه، خود را بزرگ‌ترین مدافعان ظاهر دین می‌دانند.

اگرچه اقدام دیر ملاصدرا در آغاز تفسیر و شرح متن دین ما را دچار خسران کرد اما این راه توسط عده‌ای دیگر هرچند با فاصله چندصدساله ادامه یافت. شاید به‌ظاهر ادعای بزرگ‌ترین مفسر تاریخ دوران غیبت برای شخصیتی مانند علامه طباطبایی کمی بزرگ به نظر بیاید اما قطعا در دوران معاصر کسی را نمی‌توان در کنار ایشان نشاند. کتاب شریف‌المیزان از افتخارات دوران ماست. علامه طباطبایی اگر چه مباحث تفسیری را با مباحث فلسفی و عرفانی نیامیخته اما نمی‌توان رد پای حکمت متعالیه را در فهم حقایق و باطن قرآن نادیده گرفت. اگرچه هنوز بخش اعظم دین که میراث بی‌پایان ائمه معصومین علیهم‌السلام با روش فهم متعالی ملاصدرا بازخوانی نشده اما این راه روی ما گشوده است.

مناسبات اخلاق و سیاست در حکمت متعالیه

اخلاقی بهره‌جوید و انواع مختلف این ارتباط را بررسی کند. محمل فلسفی بحث عالم خیال حکمت متعالیه است که توانست نخستین بار پس از بررسی‌هایی که حکمای مشایی و سهروردی انجام داده بودند، تبیینی نظری از این عالم و جایگاه و نقش و کارکردهای آن داشته باشد. این مباحث که توسط ملاصدرا بیان شد از سوی شارحان این حکمت همچون امام خمینی و آیتا... جوادی آملی شفافیت بیشتری یافت و هنوز

نیز در معرض نقد و بررسی و پژوهش‌های بیشتری است. در کتاب اخلاق و سیاست مباحثی همچون عالم خیال و ارتباط آن با فعل اخلاقی و فعل سیاسی بحث شده و سپس نقش عالم خیال در ارتباط میان اخلاق و سیاست و انجای مختلف این ارتباط مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. ازجمله فواید این بررسی دستیابی به دیدگاه‌های معقول‌تر در نسبت میان سودگرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی و فهم اولویت و نسبت آنها با یکدیگر است.

کتاب مناسبات اخلاق و سیاست در حکمت متعالیه به‌زودی از سوی نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ و منتشر می‌شود.



نجمه کیخا

استادیار دانشگاه

شهید بهشتی

عالم خیال نوعی امکان هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی است که می‌توان از آن در تبیین و توضیح جامعه و عناصری که در جامعه، در عالم اعتبارات انسانی شکل می‌گیرد، بهره برد. این بدان جهت است که در این عالم قواعد، خصوصیات و عناصری وجود دارد که فهم آنها نگاه دقیق‌تر و علمی‌تری را ایجاد می‌کند.

غالب مطالعات در باب عالم خیال را پژوهشگران ادبیات و هنر انجام داده‌اند و پای عالمان علوم اجتماعی و سیاسی به این عرصه کمتر گشوده شده است، درحالی که امروزه لزوم گریز از سیاست‌های خشونت‌طلب و جنگ‌آور، افزایش همبستگی و بردباری اجتماعی، دوستی و همدلی اجتماعی و مسائلی از این دست سبب شده تلاش شود امر سیاسی به سمت اخلاق، زیبایی‌شناسی، هنر، ادبیات و عرفان کشیده شود. این امور تحولی در تعریف امر سیاسی و همراه کردن آن با اخلاق ایجاد می‌کند.

کتاب اخلاق و سیاست در حکمت متعالیه تلاش کرده است تا از ظرفیت عالم خیال در ایجاد پیوند میان امر سیاسی و امر